

گفت‌وگو با وحید بیات، عکاس

مشهدی، درباره‌ی بازتاب بین‌المللی

عکس‌هایش در سازمان ملل

قاب‌های میناب‌سند جهانی شد



طینن همتی ا عکس جنگ، مرز جغرافیایی نمی شناسد. وقتی لنز دوربین یک عکاس، لحظه‌ای از حقیقت تلخ نبرد و مظلومیت انسان‌ها را ثبت می‌کند، آن تصویر دیگر متعلق به یک نقطه جغرافیایی یا یک شهر دورافتاده نیست، بلکه تبدیل به زبانی مشترک، بیانیه‌ای انسانی و سندی جهانی می‌شود که در هر نقطه‌ای از دنیا، پیام رنج و حقیقت را منتقل می‌کند. به تازگی و در جریان سخنرانی مسعود پزشکیانی، رئیس‌جمهور کشورمان، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و دیدارهای دیپلماتیک وی، دو قطعه‌از عکس‌های وحید بیات (عکاس مستند و خبری اهل مشهد) از شهدای میناب، به عنوان سند جنایات جنگی در عرصه بین‌المللی به نمایش درآمد و مورد توجه جهانیان قرار گرفت. در ادامه، گفت‌وگوی ما با این هنرمند عکاس درباره چگونگی ثبت و انتخاب این آثار و کارکرد سندیت عکس در جهان معاصر را می‌خوانید.

● رنج، شاخصه اصلی فریم‌های ماندگار میناب وحید بیات درباره چرایی انتخاب این دو فریم در کتاب اسناد تصویری ارائه شده در سازمان ملل گفت: کتابی که رئیس‌جمهور با خود همراه داشت، مجموعه‌ای مستند و صد صفحه‌ای از وقایع جنگ اخیر در شهرهایی چون تهران و میناب بود. در این

میان، بخش مربوط به میناب به دلیل ماهیت اتفاقات به صورت ویژه‌نشان‌گذاری شده بود. به باور من و طبق گفت‌وگوهایی که پس از آن داشتم، دو عکسی که از کار من انتخاب شد یک شاخصه پررنگ و برجسته داشت و آن بازنمایی عنصر کثرت بود. یکی از این عکس‌ها، تابلوی تصاویر همه شهدای حادثه‌را در گلزار شهدای میناب نشان می‌دهد، در حالی‌که خانواده‌ها و بازماندگان داغ‌دار، پای آن ایستاده‌اند و به چهره‌های عزیزانشان خیره شده‌اند. عکس دوم یک نمای کلی و سرشار از سکوت و حزن از تعدد مزارهای خاکی و بتنی دانش آموزان مدرسه شهدای میناب است. از آنجاکه این تصویر هم زمان با ایام چهلم این بچه‌ها ثبت شد، هنوز فضای مزارها همان شکل خام و سیمانی روزهای نخست را داشت.

● ثبت ابعاد جنایت در آیینه چهره‌ها و مزارها این عکاس مشهدی با اشاره به چرایی توجه‌نهادهای تصمیم‌ساز به این دو اثر، ادامه داد: دلیل انتخاب این دو فریم، انتقال بی‌واسطه حجم فاجعه بود. نمای کلی مزارها در کنار تابلویی که ده‌ها چهره معصوم دانش‌آموزان پریپر شده را پیش چشم مخاطب می‌گذاشت، عمق یک جنایت جنگی را بدون نیاز به کلمات اضافه بیان می‌کرد. این دو فریم به‌گونه‌ای ترکیب بندی شده بودند که بیننده با یک نگاه، وسعت این سوگ و داغ‌سنگین را درک می‌کرد.

گفت‌وگو با فاطمه فخار، هنرمندی که خاطرات دهه‌۶۰ را در ابعادی به وسعت یک رؤیا ماکت می‌کند

سفر به حیاط‌های فیروزه‌ای در مقیاس کوچک



عکس‌های وحید بیات که توسط رئیس‌جمهور کشورمان در سازمان ملل به نمایش گذاشته شد



● عکس خبری، سندی، انکارناپذیر در تاریخ معاصر بیات با اشاره به مسئولیت اجتماعی عکاسان مستند در بزنگاه‌های تاریخی تصریح کرد: همیشه اعتقاد من و همکارانم بر این بوده است که اگر عکاس رسالت حرفه‌ای و انسانی خود را در میدان به درستی انجام دهد، عکس دیر یا زود جایگاه واقعی خود را در تاریخ پیدا می‌کند. این تصاویر، صرفاً فریم‌هایی خبری برای امروز نیستند، بلکه سند تاریخ معاصرند که هم نسل امروز و هم آیندگان به آن‌ها استناد خواهند کرد. اینکه دیدیم این کتاب و این فریم‌ها در سطح بین‌المللی به سران کشورهای مختلف اهدا شد و به عنوان مدرکی انکارناپذیر از جنایات جنگی در دست دیپلمات‌ها قرار گرفت، نشان‌دهنده قدرت عکس در دیپلماسی عمومی است. البته حضور فریم‌های ماوسایر همکاران پرتلاشمان در چنین مجامعی، گرچه همگی مجال

نمایش پیدا نکردند، گواهی بر همین ماندگاری سندهای تصویری است.

● همراهی با مردم، ادای دین به مظلومیت قربانیان عکاس مشهدی با ابراز اندوه از خسارت‌های جانی و مالی ناشی از جنگ، تأکید کرد: بی‌تردید هیچ‌کس از وقوع جنگ و شهادت هم وطنانش خوشحال نیست و غم از دست رفتن چهره‌های نظامی و غیرنظامی در میناب، تهران و سراسر ایران داغی سنگین بر دل همه ماست؛ اما از این جهت احساس رضایت و آرامش دارم که توانستیم گامی هرچند کوچک برای رساندن صدای مظلومیت شهدای معصوم میناب برداریم. ما در کنار همه کسانی که پای کار ایران ایستادند، تلاش کردیم رسالت رسانه‌ای و انسانی خود را ثبت کنیم تا این حقیقت فراموش نشود.



طینن همتی‌آگاهی برای برگشتن به روزهای آرام گذشته، نیازی به ماشین زمان نیست؛ کافی است نگاهی به دست‌سازه‌های کوچک، مینیاتوری و پر از ظرافت «فاطمه فخار» بیندازید. او با حوصله‌ای برآمده از عشق و دقتی حیرت‌انگیز که در ساخت کوچک‌ترین و ریزترین وسایل خانگی به خرج می‌دهد، زندگی و خاطرات نسل‌های گذشته را جان دوباره می‌بخشد؛ از حیاط‌های باصفای حوض‌دار و گلدان‌های شمعدانی گرفته تا چراغ‌های والور، تلویزیون‌های کم‌دی و گوشه‌وکنار خانه‌های گرم و صمیمی دهه‌۶۰. او به جزئیات زندگی و سواص‌گونه دقت می‌کند و همواره سعی دارد کوچک‌ترین لوازم و ابزارها را با چنان مهارتی درست‌کند که مخاطب با دیدن‌شان انگشت به دهان بماند. مشتریان و مخاطبان آثارش اغلب کسانی هستند که دلشان برای سادگی و صمیمیت بی‌غل و غش آن دوران تنگ شده و می‌خواهند تکه‌ای از آن حس و حال ناب را گوشه اتاقشان زنده نگه‌دارند. فخار انگیزه اصلی خود را پاسداشت همین سادگی‌های از دست‌رفته می‌داند. او در این گفت‌وگو از مسیر پرپرابه‌هنری‌اش، بازخورد احساسی مخاطبان و البته از یک رؤیای بزرگ سخن می‌گوید؛ آرزوی تأسیس «خانه ماکت سازی» در مشهد تا فضایی دائمی برای روایت تاریخ، هنر و بازنمایی هویت خاطره‌انگیز محله‌ها و خانه‌های قدیمی شهرمان باشد.

● هنرمندی که روزهای دور را در قالب مینیاتوری ماکت‌ها زنده می‌کند



فاطمه فخار درباره نقطه آغاز این مسیر هنری می‌گوید: تحصیلات من در رشته تربیت بدنی بود و سال‌ها به عنوان مربی ورزش فعالیت می‌کردم. ماجرای ورودم به دنیای ساخت ماکت و کاردستی از دوران بارداری آغاز شد؛ دورانی که دیگر امکان ادامه فعالیت ورزشی در بیرون از خانه‌را نداشتم و خانه‌نشین شدم. البته از همان کودکی عادت داشتم وسایل بازی‌ام را خودم بسازم و همین‌رو حبه باعث شد دوباره دست به کار شوم. نقطه عطف این ماجرا در جریان یک سفر کاری به اصفهان شکل گرفت. در آن سفر شرایط خاصی حاکم بود و محل اقامتمان پر از وسایل دست‌خورده و نوستالژیک دهه‌شصتی بود؛ از یخچال و گازهای قدیمی گرفته تا یک سینک ظرف‌شویی بسیار آن عکس‌گرفتم. به خانه‌که برگشتم، نمونه کوچکی شده‌اش را ساختم و کم‌کم وسایلی مثل چراغ علاءالدین و ابزارهای ریزدورشت دیگر آشپزخانه را به آن اضافه کردم. او با تمرکز و دقتی کم‌نظیر روی کوچک‌ترین وسایل خانه کار می‌کند. از دستگیره درها گرفته تا ریزترین لوازم آشپزخانه را با چنان ظرافتی می‌سازد که نمونه واقعی‌شان تداعی شود. وقتی تصاویر این کارها را در صفحه مجازی‌ام به اشتراک گذاشتم، با استقبال و بازخورد بی‌نظیر مردم مواجه شدم.



همان‌جا بود که متوجه شدم مردم چقدر تشنه زنده شدن این خاطرات هستند و مسیر کاری‌ام شکل گرفت. حالا حدود هشت نه سال است که به صورت تخصصی در این حوزه فعالیت می‌کنم و شاید بتوانم بگویم از نخستین کسانی بودم که ماکت‌سازی را با این سبک و با محوریت هویت و نوستالژی ایرانی پیاده کردم.

● از ضایعات دورریز تا ماکت‌های دست‌ساز این هنرمند در توضیح متریال و شیوه ساخت آثارش بیان می‌کند: در ابتدای کار همه چیز با وسایل دورریختنی و ضایعات شروع شد. هرچند با بالا رفتن سفارش‌ها ناچار شدم بخشی از مواد اولیه مرغوب را هم تهیه کنم، اما هنوز هم اساس کار من هنر دست و تبدیل اشیای به‌ظاهر بی‌ارزش به آثاری هنری است. من به هیچ‌وجه از پربینرهای سه‌بعدی یا شیوه‌های صنعتی استفاده نمی‌کنم و همه‌سازه‌ها دست‌ساز است. فخار با تأکید بر اینکه در انتخاب متریال مرزی وجود ندارد، یادآوری می‌شود: متریال‌در این‌هنر هیچ محدودیتی ندارد؛ از خرده‌چوب‌های نجاری و تکه‌های ریز فلز و پلاستیک گرفته تا مصالح ساختمانی، هر ماده‌ای که بتواند در مقیاس کوچک، همان بافت و حس واقع‌گرایانه را منتقل کند، وارد کار می‌شود. او که همواره بر دقت به جزئیات کوچک تأکید می‌کند، کوچک‌ترین لوازم خانه را با دست می‌سازد و کار به جایی رسیده است که وقتی به خرید روزمره می‌رود، به وسایل و قوطی‌ها طور دیگری نگاه می‌کند؛ مدام در ذهنش در حال تجزیه و تحلیل است که از فلان درپوش یا قطعه کوچک پلاستیکی چه وسیله نوستالژیکی می‌توان خلق کرد.

● پیوند عاطفی عمیق مخاطبان با گذشته او درباره مواجهه احساسی مخاطبان با این آثار نوستالژیک می‌گوید: واکنش‌های مردم به این ماکت‌ها واقعا فراتر از یک محصول تزئینی ساده است. بخش زیادی از مخاطبان و سفارش‌دهندگان ما ایرانیان خارج از کشور هستند. بارها پیام‌هایی دریافت

گزارشی از یازدهمین رویداد طنز «سمزقند» که پس از دوسال ونیم وقفه آغاز به کار کرد

طنز دغدغه‌مند، مرهمی بر کاهش نشاط اجتماعی

و مؤثر منتقل می‌کردند.

● ارائه طنز دغدغه‌مند در قالب شعر، موسیقی و استندآپ محمد رضا اسلامی فر، دبیر برنامه «سمزقند»، در حاشیه این رویدادیکی از مسائل امروز جامعه را کاهش نشاط اجتماعی بیان کرد و گفت: متأسفانه به واسطه جنگ، تورم و اتفاقات تلخی که در جامعه وجود دارد، فضای نشاط و شادی تا حدودی کاهش پیدا کرده است. وی اضافه کرد: محفل طنز انقلاب اسلامی در شهرهای مختلف از جمله مشهد برگزار می‌شود، در تهران تاکنون ۲۱ برنامه با نام «طنز»، برگزار شده

تصویر آن را باهمه وجود دریافت می‌کند.

● چالش ۲ هفته تفکر عمیق برای خلق موزاییک‌های مینیاتوری حیاط

فخار با یادآوری یکی از خاطره‌انگیزترین تجربیاتش بیان می‌کند: یکی از کارهایی که حس ویژه‌ای به آن دارم، اولین ماکت حیاط قدیمی است که ساخته‌ام. بزرگ‌ترین چالش من این بود که چطور بافت و مقیاس طبیعی موزاییک‌های کف حیاط‌های قدیمی را درست در بیاورم. دقیقاً دو هفته فقط به فرمول و روش ساخت آن فکر کردم؛ او که به جزئیات ریز طرح‌ها عشق می‌ورزد، سعی کرد حتی کوچک‌ترین ابزار کار را هم شخصاً طراحی کند تا فضا کاملاً اصیل به نظر برسد. اما بعد از دو هفته اندیشیدن، اجرای آن تنها یک ساعت زمان برد. وقتی کار تمام شد، از شدت خوشحالی سر از پانمی شناختم. جالب است بدانید هنوز هم بسیاری از هنرمندان و حتی برخی اساتید انیمیشن‌سازی کشور درباره نحوه اجرای جزئیات آن حیاط از من می‌پرسند.

● موزه‌ای برای ثبت فرهنگ و زیست‌روزمره این هنرمند با تأکید بر ضرورت حفظ خاطرات جمعی در دوران معاصر، اظهار می‌کند: امروز تفاوت شیوه‌های زندگی با گذشته بسیار عمیق شده و ما بیش از هر زمان دیگری به پل‌های ارتباطی برای لمس تاریخ‌روزمره‌مان نیاز داریم. در روزگاری که شتاب و دغدغه‌های زندگی زیاد است، دیدن این فضاها گوشه‌ای دنج و آرام برای تجدید حواس فراهم می‌کند. او درباره بزرگ‌ترین هدف هنری‌اش می‌گوید: بزرگ‌ترین آرزو و دغدغه من برای آینده این است که بتوانیم در مشهد یک «خانه ماکت» یا موزه تخصصی ماکت داشته باشیم. ما در کشور موزه‌هایی برای بناهای تاریخی یا عروسک‌ها داریم، اما جای موزه‌ای که فرهنگ عامه و زیست‌روزمره مردم را به تصویر بکشد خالی است. دوست دارم جایی باشد که معماری خانه‌ها، سبک زندگی و عادت‌های ساده دهه‌های گذشته را به نمایش بگذارد؛

از خانه‌های خشتی دهه ۳۰ و ۴۰گرفته تا شمع‌ها و سبدهای خرید پلاستیکی قرمز دهه ۶۰ و گچ‌بری‌های دهه ۷۰. این‌ها تکه‌هایی از هویت فرهنگی ما هستند و باید برای نسل‌های آینده ثبت و ماندگار شوند.

● جایی که کوچک‌ترین وسایل در آن جان می‌گیرند فخار با اشاره به نحوه فعالیت کاری‌اش می‌گوید: بعد از محدودیت‌های فضای مجازی فعالیت‌م محدود شد. از همان زمان به بعد، کارگاه را به داخل خانه آوردم و همه ماکت‌ها را در محیط خانه می‌سازم. اکنون سفارش‌ها را از طریق شبکه‌های اجتماعی مختلف داخلی و پیام‌رسان‌ها دریافت می‌کنم. او در همین فضای کوچک خانگی، با دقتی بی‌کران به ساخت کوچک‌ترین وسایل و ریزه‌کاری‌های ماکت‌ها مشغول است. به محض اینکه ساخت ماکتی تمام می‌شود، فوراً آن را برای مشتری ارسال می‌کند؛ به طوری‌که معمولاً هیچ‌کاری نزد خودم باقی نمی‌ماند و متأسفانه خودم هیچ نمونه‌ای از این سازه‌ها را برای استفاده شخصی یا دکوری ندارم.

● بازسازی خانه‌های پدری او درباره ماهیت و انگیزه اصلی سفارش‌دهندگان توضیح می‌دهد: بخش زیادی از کارهای من، سفارش‌های کاملاً شخصی‌سازی شده است. مثلاً همان ماکت حیاطی که پیش‌تر اشاره کردم، سفارش فردی بود که قرار بود خانه پدری‌شان به زودی کوبیده و تخریب شود؛ اعضای این خانواده دلشان می‌خواست شکل همان حیاط و درودیوار خاطره‌انگیز خانه پدری برای همیشه زنده بماند و من دقیقاً همان فضا را با تمام ریزه‌کاری‌ها و کوچک‌ترین اجزایش در ابعاد کوچک برایشان ساختم. یا در موردی دیگر، برای جاکلیدی‌ها دقیقاً عکس سردر خانه دوران بچگی‌شان را می‌فرستند و من اثر را با تکیه بر همان تصاویر بازآفرینی می‌کنم تا آن حال و هوا برای همیشه پیش چشمشان بماند. این استقبال نشان می‌دهد چقدر نیاز داریم خاطرات جمعی‌مان ثبت شود. نباید‌گذشت عادت‌ها، رسوم و نمادهای گذشته به این راحتی فراموش شوند. بارها پیش آمده است که وقتی مخاطبی اثری از یک وسیله یا فضای قدیمی را می‌بیند، ناخودآگاه می‌گوید: وای! اصلاً یادم رفته بود که این وجود داشته است. چقدر به گذشته‌ها پرتاب شدم.

● چشم‌انتظار یک حمایت هنرمند مشهدی با گلایه از ناشناخته ماندن این هنر در زادگاهش بیان می‌کند: واقعیت این است که در شهرهای دیگر با حتی خارج از کشور مرا بیشتر از مشهد می‌شناسند، درحالی‌که ظرفیت‌های این هنر برای فضای شهری بسیار بالاست. ایده‌های زیادی برای همکاری با مدیریت شهری، فضا‌سازی‌های هویتی و زنده‌کردن معماری خاطره‌انگیز مشهد دارم. با وجود همه دغدغه‌ها و مسئولیت‌های زندگی، ایده‌ها و طرح‌های فراوانی در سر دارم و امیدوارم با همراهی مسئولان و رسانه‌ها، شرایطی فراهم شود تا بتوان این هنر ظرفیت و مینیاتوری‌رادر مقیاسی بزرگ‌تر و در خدمت آرامش بصری و فرهنگی شهر به نمایش گذاشت.



مؤسسه فرهنگی هنری شهرآرا توانستیم یازدهمین برنامه را برگزار کنیم. اسلامی فر در پایان گفت: در هر برنامه از لحاظ فرم و محتوا خلاقت وجود دارد و به‌گونه‌ای نیست که شوخی‌ها تکراری باشند؛ «سمزقند» یک رویداد خانوادگی و طنز سالم و دغدغه‌مند است.

ریحانه موسوی‌ایازدهمین رویداد طنز «سمزقند»، محفل طنز انقلاب اسلامی در مشهد، با مشارکت مؤسسه فرهنگی شهرآرا، حوزه هنری انقلاب اسلامی



خراسان رضوی، حسینیه هنر مشهد و دست‌اندرکاران هفته‌نامه «پلخمون» شهرآرا در سالن شهدای وحدت برگزار شد؛ برنامه‌ای که شامل بخش‌هایی چون موسیقی، استندآپ کمدی، شعر و کلیپ بود. در ابتدای این برنامه شاعران برجسته با استفاده از قالب‌های کلاسیک و نو، به بیان مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روز پرداختند. اشعار با چاشنی طنز و کنایه، ضمن ایجاد فضایی مفرح، مخاطبان را به تفکر درباره چالش‌های موجود واداشت. استفاده از زبان محاوره و ارجاعات فرهنگی بومی، به جذابیت بیشتر این بخش افزود. سپس کمدین‌ها با اجرای برنامه‌هایی مبتنی بر مشاهدات روزمره و تجزیه‌ات شخصی، لحظات

عکس: حبیب‌اللهی شهرآرا